

تعامل قرآن و سنت با عصبیت قومی

نویسنده: پوهیالی خاطره عزیزی

چکیده

یکی از پدیده‌های زشت دوره جاهلیت که سخت جامعه عرب را پیش از ظهور اسلام از پا درآورده بود و پیامبر اسلام، صلی الله علیه وسلم، برای براندازی آن در تمام عمر خود مبارزه کردند، عصبیت قومی یا قوم‌گرایی بود. نصوص قرآن کریم و احادیث نبوی، صلی الله علیه و سلم، برای رد امتیاز طلبی‌های قومی صراحت لهجه دارد؛ چنانچه همه افراد بشر را یکسان دانسته تقوا و پرهیزگاری را یگانه وجه امتیاز در میان افراد امت اسلامی برشمرده است؛ به همین گونه شریعت اسلام، تعصب قومی را میراث شوم جاهلیت میداند؛ طوری که آن را بدبوی و متعفن معرفی داشته و جنگ و مقاتله بر اساس عصبیت قومی را کفر و وسیله دخول در آتش جهنم برشمرده است. اسلام برای قطع تشبهای عصبیت قومی جاهلی در جامعه اسلامی راهکارهای مناسبی را وضع کرده است. بهترین راه برطرف کردن این معضله، جمع کردن مردم در محور دین و عقیده توحید است که با نهادینه شدن آن در جامعه اسلامی برای عصبیت قومی جای پای نخواهد ماند.

واژه‌های کلیدی: تعصب، قوم‌گرایی، جاهلیت، قرآن کریم، سنت نبوی.

مقدمه

جامعه انسانی از طوایف و قبایل متعدد و گوناگونی شکل می گیرد که باید بر اساس قواعد منظمی حقوق یکدیگر را باز شناسند تا با شناخت این اصول آرامش و صفا به ارمغان آید. انسانها بر اساس ویژه گیهای فطری خود گاهی برتری جویی هایی را در عرصه های گوناگون حیات اعمال می کنند که نظم و عدالت اجتماعی را به هم می زند. این تخلفات به حدی است که حتی جوامع اسلامی را نیز در بسا مواقع از تاریخ درنور دیده و دچار بحران کرده است.

یکی از وجوه این برتری جویی ها عصبیت قومی یا قوم گرایی افراطی است که بر اساس آن شماری از اقوام، خویشتن و قوم خود را بر دیگران برتر می شمارند؛ بدین طریق به تلف ساختن حقوق انسانی و آزادی های فطری شان اقدام می نمایند. همین برتری جویی ها بر اساس عصبیت قومی، امروزه در بسا سرزمین ها و به ویژه در کشور ما وجود دارد و بیداد می نمایند. دفع این عادت ناپسند و جاهلی از ضرورت های زمان ماست که باید برای براندازی آن اقدام صورت گیرد. خوش بختانه شریعت مقدس اسلام با اصول و راهکارهای سازنده با این پدیده شوم و جاهلی مبارزه کرده و این اصول و راهکارها می تواند به حل مشکلاتی بپردازد که از عصبیت قومی زاده شده اند. بر مبنای چنین ضرورتی در این مقاله، تعامل قرآن کریم و سنت نبوی با عصبیت قومی به بحث گرفته شده تا باشد که چند و چون موضوع بررسی گردد و برای نابودی این خصلت شوم و ناپسند قدمی برداشته شود.

تعامل قرآن کریم با قوم گرایی

پیش از ظهور اسلام در جامعه آن روزگار قوم گرایی و تعصب قومی بسیار زیاد رشد کرده بود به حدی که از اثر آن مشکلات زیاد دامنگیر مردم شده بود. در آن دوره، برتری جویی قومی امری محسوس و ملموس بود؛ بدین خاطر از اثر این پدیده شوم به جان هم می افتادند و تلفات سنگینی را متحمل می شدند.

وقتی اسلام ظهور کرد یکی از مواردی که قرآن کریم بر آن خط بطلان کشید عصبیت قومی یا قوم گرایی منفی بود. آیات قرآن کریم در یکی از موارد، مخاطبان خود را متوجه می سازد که همه در حقیقت از هر قوم و نژادی که باشند در اصل و اساس خود یک چیز بوده اند و سرانجام نسب شان به یک مرد و زن می رسد؛ از این جهت نباید بر یکدیگر با تعصب ورزی، برتری جویی

و فخر فروشی را پیشه خود سازند.

آیات قرآن کریم تعصب قومی و برتری جویی نژادی را مردود می‌داند، قومیت و نژاد را مایه برتری و امتیاز نمی‌داند؛ بلکه تقوا را یگانه راه برتری و امتیاز بر دیگران برمی‌شمارد. برای بیان این مفاهیم عموم جامعه انسانی را مخاطب قرار داده و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (الحجرات: ۱۳).

(ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملتها و قبیله‌ها گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست، بی‌تردید خداوند دانا و آگاه است).

اسلام آمد و با محور قراردادن ایمان و تقوی، مردم را به دور این مرکز جامع و الهی بسیج کرد و جمع آورد، چنان که روز تا روز لجام گسیختگی‌های تعصب قومی کم رنگ می‌شد و اتحاد و اخوت اسلامی بیشتر می‌گردید.

قرآن کریم از این اخوت و برادری دینی به عنوان نعمت الهی بر یاران رسول الله، صلی الله علیه وسلم، بیان می‌نماید؛ همان گونه که از وضع نا بهنجار و نامطلوب دوران جاهلی یاد آوری کرده است. لذا از این نعمت بزرگ تذکر می‌دهد و ایجاد الفت و محبت میان مردم را نتیجه روشنگری آیات کلام الهی می‌داند. آن‌جا که فرموده است:

«وَاذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ». (آل عمران: ۱۰۳).

(و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید؛ پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و برکنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید، این گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید).

ملاحظه تاریخ اسلام می‌رساند که نه تنها در مکه مکرمه، بلکه حتی در مدینه منوره نیز همین عصبیت قومی میان اقوام گوناگون وجود داشته است؛ چنانچه میان دو قبیله اوس و خزرج از دیر

وقت عداوت و دشمنی مشکلات زیادی پدید آورده بود. هنگامی که اسلام آمد و مردم مسلمان گردیدند، همه اقوام و قبایل آن روزگار برادر یکدیگر شدند و صمیمیت و محبت میان آنان ایجاد شد؛ طوری که همکار و معاون یکدیگر شدند و این الفت و محبت جز با اسلام به گونه دیگری ممکن نبود که پدید آید (زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۴، ص ۲۸). در همین مورد قرآن کریم بیان داشته است که این الفت و صمیمیت را فقط الله متعال ایجاد کرده است؛ آنجا که فرموده است:

«هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (الانفال: ۶۲-۶۳).

(او کسی است که تو را با نصرت خود و با مؤمنان نیرومند ساخت و بین دل‌های ایشان الفت آورد، اگر تمام آنچه را که در زمین است خرج می‌کردی بین دل‌های شان الفت ایجاد کرده نمی‌توانستی؛ اما خدا بین شان الفت ایجاد کرد؛ زیرا وی غالب و با حکمت است).

برخوردهای عصبیت آمیز قومی در قرآن کریم کفر پنداشته شده تا توبیخی برای مخاطبانی باشد که بقایای این تفکر در ضمیرشان رسوب کرده باشد.

در شأن نزول این آیه مبارکه در اسباب نزول واحدی، رحمة الله، (واحدی، ۱۴۱۲: ص ۱۱۸) آمده که ابن عباس، رضی الله عنهما، گفته است: قبیله اوس و خزرج با گفت و گو و مشاجره با یکدیگر به خشم آمدند؛ به حدی که نزدیک بود جنگ پدید آید، دست به سلاح ببرند و به همدیگر درآویز شوند؛ همین بود که این آیه مبارکه نازل شد:

«وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ». (آل عمران: ۱۰۱).

(چه گونه کافر می‌شوید؛ در حالی که آیات خدا بر شما خوانده می‌شود و پیامبر در میان شماست).

ملاحظه می‌شود که منازعات برخاسته از عصبیت قومی کفر خوانده شده است و این بیانگر بزرگی این عمل ناپسند در نزد خداوند متعال است.

مبارزه رسول الله، صلی الله علیه وسلم، با تعصب قومی

یکی از مواردی که رسول گرامی اسلام، صلی الله علیه وسلم، در طول حیات با برکت شان با آن به مبارزه برخاستند و در صدد از بین بردن آن بودند، تعصب قومی بود. ایشان همه وقت در

صدد متحد ساختن مؤمنان و ایجاد برادری و عدالت اجتماعی میان آحاد امت خویش بودند. مطالعه زنده گی پیامبر خدا، صلی الله علیه وسلم، بیان می‌دارد که ایشان با بیگانه‌هایی رابطه نسبی میان آنان و رسول الله، صلی الله علیه وسلم، وجود نداشت، بر مبنای اخوت ایمانی بیشتر دوستی داشته‌اند؛ به گونه مثال، امام بخاری از عبدالله مزنی به نقل از پدر و پدرکلانش روایت کرده که وقتی مهاجران و انصار در حین ایجاد خندقها در غزوۀ خندق در مورد سلمان فارسی، رضی الله عنه، به گفت و گو پرداختند و هر گروه می‌خواستند که سلمان از ایشان باشد؛ مهاجران گفتند که سلمان از ماست و انصار گفتند که سلمان از ماست؛ این بدان دلیل بود که سلمان فارسی مرد نیرومندی بود. در این هنگام رسول گرامی اسلام، صلی الله علیه وسلم، او را در جمع اهل بیت شان دانستند و فرمودند: «سَلَمَانُ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ» (طبرانی، ۱۴۱۵؛ حدیث: ۶۰۴۰؛ حاکم، ۱۴۱۱؛ حدیث: ۶۵۴۱). (سلمان از ماست و از جمله اهل بیت ماست).

باوجودی اینکه سلمان از قوم دیگر بود و از اهل فارس بود مورد اعزاز و اکرام قرار گرفت و بحث تعصب قومی اصلاً مطرح نبود. رسول خدا، صلی الله علیه وسلم، هیچ گاهی به خاطر عصیبت‌های قومی مطرح در نزد مردم عرب حکمی از احکام الهی را فرو گذاشت نکردند و در اجرای آن بر همه گان به طور یکسان اقدام می‌کردند. امام بخاری در حدیثی از عایشه، رضی الله عنها، روایت کرده که چون قبیله قریش در مورد زنی از بنی مخزوم که دزدی کرده بود، از اجرای حد نگران شدند، با خود گفتند که چه کسی در این زمینه با رسول الله، صلی الله علیه وسلم، صحبت خواهد کرد؟ بعد فکر کردند که جز اسامه بن زید محبوب رسول الله، صلی الله علیه وسلم، کسی جرأت این کار را ندارد. اسامه، رضی الله عنه، با ایشان سخن زد. پیامبر، صلی الله علیه وسلم، برای اسامه، رضی الله عنه، فرمودند:

«أَتَشْفَعُ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ».

(آیا در حدی از حدود خدا شفاعت می‌کنی؟)

آنگاه برخاستند و برای مردم خطبه‌یی ارائه داشتند و فرمودند:

«إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ، أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ، وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ، وَإِيمُ اللَّهِ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا» (بخاری،

۱۴۲۲، حدیث ۳۴۷۵؛ مسلم، حدیث ۱۶۸۸)

(هرآینه کسانی که پیش از شما بودند، به هلاکت رسیدند. آنان چنین بودند که هرگاه در میان شان شخص با حیثیتی دزدی کردی، او را رها می کردند؛ اما هرگاه شخص ضعیفی دزدی کردی، حد را بر او جاری می کردند. سوگند به خدا که اگر فاطمه بنت محمد دزدی کرده باشد، دستش را قطع می نمایم).

در مدرسه تربیت نبوی میان اقوام هیچ فرقی وجود نداشت و معیار فضیلت و برتری جز تقوا چیز دیگری نبود. امام احمد بن حنبل در مسند خویش از ابی نصره روایت کرده که رسول خدا، صلی الله علیه وسلم، در یکی از خطبه های خود که آن را در میان ایام تشریق ارائه داشتند به مردم فرمودند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا أَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ، وَلَا أَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ، إِلَّا بِالتَّقْوَى» (مسند امام احمد، ۱۴۲۱: حدیث ۲۳۴۸۹).

(ای مردم، بدانید که پروردگار شما یگانه است و پدرتان یکی است، بدانید که عربی را بر عجمی و عجمی را بر عربی برتری نیست؛ مگر به تقوا و نیز سرخ پوست را بر سیاه پوست و سیاه پوست را بر سرخ پوست جز با تقوا برتری نیست).

تعصب قومی میراث جاهلیت

نصوص شرعی بیانگر این است که تعصب قومی از میراث های شوم جاهلیت است. این امر در قرآن کریم انعکاس یافته است؛ چنانچه پیشتر آیاتی ارائه شد که در آنها پایبندی به عصبیت قومی زجراً و تهدیداً کفر پنداشته شده است.

احادیث نبوی بیانگر شومی تعصب قومی اند و آن را از میراث های نا به کار جاهلیت معرفی می دارند. در حدیثی به روایت امام بخاری از معرور بن سوید از ابی ذر، رضی الله عنه، روایت کرده که گفت: میان من و شخصی که مادرش اعجمی بود گفت و گویی وجود داشت. من بر او عیب گرفتم و سپس او به نزد رسول الله، صلی الله علیه وسلم، شکایت برد. ایشان به من فرمودند: «أَسَابَيْتَ فَلَا نَأْ؟»

(آیا فلان شخص را دشنام دادی؟)

من گفتم: بلی.

فرمودند: «أَفَنِلْتَ مِنْ أُمِّهِ؟»

(آیا مادرش را بر او عیب گرفتی؟)

گفتم: بلی.

فرمودند: «إِنَّكَ أَمْرٌ فَيْكَ جَاهِلِيَّةٌ» (بخاری، ۱۴۲۲: حدیث ۶۰۵۰).

(تو شخصی هستی که در تو جاهلیت وجود دارد).

به همین طریق در حدیثی به روایت بخاری و مسلم از جابر بن عبد الله آمده است که گفت: دو نفر پسر بچه که یکی از مهاجران و یکی از انصار بود، با هم به جنگ پرداختند. پسر بچه مهاجر فریاد زد که وای مهاجران! و پسر بچه انصاری صدا زد که وای انصار! یعنی که هر کدام قوم خود را به کمک طلبیدند. پیامبر، صلی الله علیه وسلم، برآمدند و فرمودند: «مَا هَذَا دَعَا أَهْلَ الْجَاهِلِيَّةِ».

(این چه معنا دارد؟ فراخوانی اهل جاهلیت است).

ایشان گفتند: نه، فراخوانی جاهلی نیست؛ بلکه دو نفر پسر بچه یکی دیگری را سرنگون ساخته است. ایشان فرمودند: «فَلَا بَأْسَ وَلْيَنْصُرِ الرَّجُلُ أَخَاهُ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا، إِنْ كَانَ ظَالِمًا فَلْيَنْهَهُ، فَإِنَّهُ لَهُ نَصْرٌ وَإِنْ كَانَ مَظْلُومًا فَلْيَنْصُرْهُ» (مسلم، حدیث ۲۵۸۴؛ بخاری، ۱۴۲۲: حدیث ۴۹۰۵).

(پروا ندارد، باید هر شخص برادر خود را خواهی ظالم باشد یا مظلوم، یاری کند. اگر ظالم است او را از ظلم باز دارد و اگر مظلوم است باید او را یاری نماید).

در روایت دیگر علاوه شده که فرمودند: «دَعُوهَا، فَإِنَّهَا مُنْتَنَةٌ» (بخاری، ۱۴۲۲: حدیث

۴۹۰۵؛ مسلم، حدیث ۲۵۸۴). (این مشاجرات را بگذارید که بدبوی و متعفن اند).

آنچه قابل ملاحظه است که بیشتر وقت‌ها منافقان می‌کوشیدند تا میان امت اسلامی تفرقه و برتری جویی را دامن زنند و آتش‌های گل شده را دوباره برافروخته سازند. در ادامه حدیث مذکور آمده است که چون عبد الله بن ابی رئیس منافقان این حرف‌ها را شنید، گفت: این مهاجران چنین

کاری را انجام دادند، سوگند به خدا که اگر به مدینه برگردیم، افراد زورمند [قوم ما] افراد ضعیف را بیرون خواهد راند. عمر بن الخطاب برای رسول الله، صلی الله علیه وسلم، گفت: مرا بگذار تا گردن این منافق را بزنم. پیامبر، صلی الله علیه وسلم، فرمودند: «دَعُهُ، لَا يَتَحَدَّثُ النَّاسُ أَنَّ مُحَمَّدًا يَقْتُلُ أَصْحَابَهُ». (بخاری، ۱۴۲۲: حدیث ۴۹۰۵؛ مسلم، حدیث ۲۵۸۴).

(او را رها بگذار، تا مردم نگویند که محمد یاران خود را می کشد).

وعید اخروی برای متعصبان قومی

همچنان که تعصب قومی میراث شوم جاهلی بر شمرده شده و تهدیداً در قرآن کریم کفر شناخته شده است، این عمل در احادیث نبوی نیز از گناهان خطرناک و موجب دخول در آتش جهنم معرفی گردیده است. در حدیث صحیحی به روایت مسلم از ابی هریره، رضی الله عنه، آمده که پیامبر خدا، صلی الله علیه وسلم، فرموده اند: «مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ، وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عِمِّيَّةٍ يَغْضَبُ لِعَصْبَةٍ، أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصْبَةٍ، أَوْ يَنْصُرُ عَصْبَةً، فَقُتِلَ، فَقَتَلَهُ جَاهِلِيَّةٌ...» (مسلم، حدیث ۱۸۴۸).

(هر که از طاعت [امام حق] برآید و از جماعت جدایی گزیند؛ پس بمیرد، به مردن جاهلیت مرده است و هر که زیر بیرق کورکورانه جنگ کند، به خاطر عصبیت به خشم آید یا به سوی عصبیت فراخواند یا از روی عصبیت یاری کند، پس کشته شود، این کشته شدنش مردن جاهلی است...).

در نصوص صحیح دینی، جنگهایی که از روی تعصب قومی صورت می گیرند، موجب دخول در آتش دوزخ شناخته شده اند. امام بخاری حدیثی را به روایت ابو بکر، رضی الله عنه، روایت کرده که می گوید: من از پیامبر، صلی الله علیه وسلم، شنیدم که فرمودند: «إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ». (هرگاه دو مسلمان با شمشیرهای شان رو به رو شوند کشنده و کشته شده در آتش اند).

وی می گوید که من گفتم: یا رسول الله، این که قاتل است، مقتول را چه شده که در آتش

دوزخ باشد؟

فرمودند:

«إِنَّهُ كَانَ حَرِيصًا عَلَى قَتْلِ صَاحِبِهِ» (بخاری، ۱۴۲۲، حدیث ۳۱؛ مسلم، حدیث ۲۸۸۸)

؛ زیرا او هم بر کشتن رفیقش حریص بوده است.

این جنگ و مقاتله‌یی که موجب دخول در آتش جهنم است، همان جنگ و مقاتله‌یی است که بر اساس تعصب قومی یا اموری شبیه آن صورت گرفته باشد و شخص جنگ کننده دلیل قاطعی بر حقانیت خود نداشته باشد؛ اما هرگاه شخص جنگ کننده برهان قاطعی بر حقانیت خود داشته باشد، جنگ کردن با اهل باطل جواز دارد. همچنان که جنگ با اهل بغی و محاربان و قطاع الطریق از اموری است که باید حتماً انجام شود (ابن حجر، ۱۳۷۹: ج ۱۳، ص ۳۴).

نتیجه

از طرح و بیان این مقاله به این نتیجه دست یافته می‌شود که عصبیت قومی از میراث‌های شوم جاهلیت قبل از اسلام است که در طول تاریخ در جوامع بشری وجود داشته است. همچنان این پدیده یکی از مشکلات و امور ناپسندی بوده که در هنگام ظهور اسلام، پیامبر اسلام، صلی الله علیه و سلم، با آن مواجه شدند و برای براندازی آن مبارزه جدی نموده اند.

قرآن کریم همه مردم را یکسان دانسته و تنها تقوی و پرهیزگاری را وجه امتیاز و برتری میان انسان‌ها معرفی کرده است؛ برعلاوه با پدیده قوم‌گرایی شدیداً مبارزه کرده آن را به شکل تهدیدی، کفر معرفی داشته است. احادیث نبوی عصبیت قومی را از رسوم جاهلی برشمرده و متعفن و گندیده شناخته است. با آمدن شریعت مقدس اسلام، تعصب قومی کمرنگ شد و جای خود را به محور عقیده و دیانت سپرد. امروزه برای از میان برداشتن پدیده شوم قوم‌گرایی و عصبیت‌های قومی، نیاز است تا محور دین و عقیده تقویت شود و جامعه اسلامی باید به عوض سایر محورها به دور این محور گرد آیند؛ بدین طریق می‌توانیم جامعه رهایافته از بسیاری بدبختی‌ها و دست یاب به سعادت دنیا و آخرت داشته باشیم.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حجر عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی. (۱۳۷۹). فتح الباری شرح صحیح البخاری. ترتیب بخشها و بابها محمد فؤاد عبد الباقي. تصحیح و اهتمام چاپ محب الدین خطیب. تعلیقات علامه عبد العزیز بن عبد الله بن باز. بیروت: دار المعرفه.
۳. ابن حنبل الشیبانی، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد. (۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م). مسند الإمام أحمد بن حنبل. تحقیق شعيب الأرناؤوط، عادل مرشد و آخرون. زیر نظر عبد الله بن عبد المحسن التركي. بیروت: چاپ اول. مؤسسة الرساله.
۴. بخاری الجعفی، أبو عبد الله محمد بن إسماعیل. (۱۴۲۲ هـ). الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله، صلى الله عليه وسلم، وسننه وأيامه. صحیح البخاری. تحقیق محمد زهير بن ناصر الناصر. بیروت: چاپ اول. دار طوق النجاة.
۵. حاکم نیشاپوری، أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبی الطهمانی النیشابوری المعروف بابن البيع. (۱۴۱۱ - ۱۹۹۰). المستدرک علی الصحيحین. تحقیق مصطفی عبد القادر عطا. بیروت: چاپ اول. دار الکتب العلمیه.
۶. زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ هـ). التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج. دمشق: چاپ دوم. دار الفكر المعاصر.
۷. طبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي. (۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م). المعجم الكبير. تحقیق حمدی بن عبد المجید السلفی. قاهره: چاپ دوم. مكتبة ابن تيمية.
۸. مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری. (ب ت). المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله، صلى الله عليه وسلم، (صحیح مسلم). تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۹. واحدی، أبو الحسن علی بن أحمد بن محمد بن علی. (۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲ م). أسباب نزول القرآن. تحقیق عصام بن عبد المحسن الحمیدان. الدمام: چاپ دوم. دار الإصلاح.